



۷۷۰۰۷۱۵

در این نوشتار تلاش شده است تا دشواری‌های موجود برای افراد معلول در حوزه دانشگاه در دو بخش وضعیت مناسب‌سازی فضای دانشگاهی و وضعیت خدمات آموزشی مورد بررسی قرار گیرد.

رشد کمی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی در ایران این فرصت را برای شهروندان فراهم نموده است تا با سهولت بیشتر تحصیل خود در دانشگاه را دنبال کنند و در رشته مورد نظر خود به کسب مهارت و دانش اقدام نمایند. اما به رغم افزایش در شمار دانشگاهها و مراکز آموزش عالی به ویژه نهادهایی که مبتنی بر دریافت هزینه هستند، وضعیت آنها به لحاظ ارتقا امکانات و شرایط دسترسی تغییر قابل توجهی نکرده است و در این زمینه همچنان درگیر نقایص و آسیب‌هایی هستند که موجب دشواری‌هایی برای گروه‌هایی از دانشجویان می‌گردند.

شمار افراد دارای معلولیت نیز به تبع تحول کمی در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی نسبت به گذشته افزایش یافته است. با این وجود این گروه از دانشجویان به واسطه وضعیت ویژه ای که دارند به امکانات و شرایطی نیاز دارند که تحصیل در دانشگاه را برای آنها آسان‌تر نماید. اما به رغم افزایش شمار آنان در دانشگاه‌های سراسر کشور، کاستی‌ها و موانع موجود که امر تحصیل را برای آنها در مقایسه با دانشجویان عادی دشوارتر می‌گرداند، همچنان به قوت خود باقی است. در این نوشتار تلاش شده است تا دشواری‌های موجود برای افراد معلول در حوزه دانشگاه در دو بخش وضعیت مناسب‌سازی فضای دانشگاهی و وضعیت خدمات آموزشی مورد بررسی قرار گیرد.

مناسب‌سازی فضاهای آموزشی: یکی از دشواری‌های موجود برای افراد دارای معلولیت ضعف در مناسب‌سازی کافی و استاندارد در بخش عمده ای از دانشگاه‌های سراسر کشور است. به گونه ای که حضور این گروه بدون همراهی و مساعدت دیگران عملاً با دشواری‌هایی همراه است. البته باید در نظر داشت که تلاش شده است تا این مشکل چه در دانشگاه‌های جدید التاسیس و چه در دانشگاه‌هایی که از قدمت بیشتری برخوردار هستند، تا حدودی رفع گردد. برای نمونه ایجاد امکاناتی نظیر آسانسور و رمپ در تعدادی از دانشگاهها موجب شده است تا مشکلات افراد دارای معلولیت تا حدی کاهش یابد. با این وجود به نظر می‌رسد در این زمینه همچنان کاستی‌هایی وجود دارد. وجود موانعی در محیط همچون داریست‌ها که برای افراد نابینا حتی با استفاده از عصای سفید قابل تشخیص نیست، قرار دادن استند پاپ‌آپ‌ها در مسیر تردد افراد معلول، نبودن آسانسور و رمپ در شماری از دانشگاهها یا وجود آسانسورهای عمدتاً در حال تعمیر که افراد معلول و به ویژه افراد معلولی که از ویلچر استفاده می‌کنند را با مشکلات جدی مواجه می‌کند و ایجاد رمپ‌هایی که در مواردی غیر استاندارد بوده و بهره‌گیری از آنها را بدون مساعدت دیگران خطرناک می‌سازد، خودداری از به کار گیری دکمه‌های برجسته نگار در آسانسور برای استفاده افراد نابینا، فقدان درهای ورودی بزرگ و اتوماتیک، نبودن

سرویس‌های بهداشتی مخصوص، دشواری‌های دسترسی به امکانات موجود در کتابخانه‌ها، تنها مواردی از موانعی است که بدون صرف هزینه‌های هنگفت می‌تواند کاهش یابد.

در واقع آنچه که ضرورت دارد، فراهم آوردن شرایط و امکاناتی است که سبب گردد افراد معلول بتوانند همچون دیگر شهروندان به امر تحصیل اشتغال ورزند و در عین حال استقلال نسبی آنها نیز تضمین گردد. البته مواردی که پیش از این مطرح شد در تعدادی از مراکز آموزش عالی تا حدی حل شده است و موجب شده تا افراد معلول بتوانند با نگرانی کمتر به تحصیل بپردازند. اما تحقق مناسب‌سازی فضاهای دانشگاه‌ها به صورت نسبی تنها در شماری از آنها محقق شده است و با توجه به اینکه افراد معلول در دانشگاه‌های معینی در سراسر کشور تحصیل نمی‌کنند، مسأله مناسب‌سازی این اماکن به طور استاندارد همچنان موضوعی جدی و حل نشده باقی مانده است. شاید یکی از نگرانی‌ها و بعضاً مقاومت‌های خانواده‌های افراد معلول برای فرستادن فرزندانشان به دانشگاه‌هایی در شهرهایی دیگر، ناشی از خطرات و آسیب‌های احتمالی است که به دلیل فقدان مناسب‌سازی دانشگاه‌ها متوجه آنها می‌گردد. از این رو در موارد متعددی خانواده‌ها به راه‌هایی می‌اندیشند که به واسطه آن بتوانند فرزندان خود را در دانشگاه‌هایی محل سکونت خود بفرستند. بدیهی است که چنین وضعیتی که بخشی از آن ناشی از فقدان مناسب‌سازی اماکن آموزشی است، اگرچه از یک منظر موجب کاهش مشکلات این افراد در حوزه مورد بحث می‌گردد، اما از آن رو که منجر به کاهش استقلال فردی و اعتماد به نفس در دانشجوی می‌شود، و می‌تواند باعث شکل‌گیری نگرشی منفی در اطرافیان آن فرد گردد، امری مخرب محسوب می‌شود.

وضعیت خدمات آموزشی: از دیگر مواردی که سبب نگرانی افراد دارای معلولیت در دانشگاه‌ها می‌گردد، وضعیت آموزش و نحوه دسترسی به کتب است. نحوه دسترسی به کتب مسأله‌ای است که دانشجویان معلول به ویژه دانشجویان دوچار آسیب بینایی با آن مواجه هستند. البته در این خصوص مراکز محدود و پراکنده‌ای در سطح کشور وجود دارند که با توجه به بودجه مختصری که در اختیار دارند فعالیت تبدیل کتب به فایل‌های صوتی را انجام می‌دهند. با وجود آنکه شرایط دسترسی به کتب گویا نسبت به گذشته بهبود یافته است، فقدان یک بانک اطلاعاتی یکپارچه، پراکندگی مراکزی که در این حوزه فعالیت می‌کنند، ناشناخته بودن تعدادی از این مراکز برای افراد دارای آسیب بینایی و موارد دیگر سبب شده است که این افراد همچنان با مشکلاتی در این زمینه مواجه باشند.

بهره‌گیری از مطالب کلاسی نیز تا حد زیادی وابسته به میزان همکاری استادان با دانشجویان دارای معلولیت است. خودداری از اجازه به دانشجویان معلول برای ضبط مطالب کلاسی، فقدان همکاری‌های لازم با دانشجویان کم‌شنوا و ناشنوا که مطالب کلاسی را عمدتاً به واسطه لب‌خوانی ادراک می‌کنند، عدم تمایل استادان به استفاده از که سخنان آنها را برای دانشجویان دارای آسیب شنوایی قابل درک می‌گرداند پرهیز از به کارگیری وسایل کمک آموزشی همچون دستگاه ویدئو پروژکتور که با نشان دادن مطالب مکتوب به روند یادگیری به ویژه برای افراد معلول سرعت می‌بخشد، خودداری از تشریح مطالبی نظیر نمودارها، جداول و اشکالی که برای اقناع بیشتر بر روی یا در قالب ارائه می‌شوند، نمونه‌هایی از معضلاتی است که افراد دارای معلولیت در زمان حضور در کلاس با آنها مواجه هستند.

آنچه که تا کنون مطرح شد، شماری از مسائل و مشکلاتی است که دانشجویان دارای معلولیت در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی با آنها دست و پنجه نرم می‌کنند. در ادامه تلاش می‌کنیم تا به راهکارهایی به منظور کاهش این مشکلات اشاره نماییم.

استفاده از ابزارهای حقوقی: توسل به قوانینی که در این زمینه به تصویب رسیده‌اند برای پیگیری مطالبات افراد معلول در حوزه نظام آموزش عالی، نقش مهمی را ایفا می‌کند. برای نمونه بر اساس ماده دو از فصل دوم قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت، تمامی وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی موظف هستند در طراحی، تولید و احداث ساختمان‌ها و اماکن عمومی و معابر و وسایل خدماتی، به گونه‌ای اقدام نمایند که امکان دسترسی و استفاده از آنها برای افراد دارای معلولیت همچون دیگر افراد فراهم گردد. با توجه به این که دانشگاه‌ها نیز مشمول این قانون هستند، باید مناسبسازی استاندارد آنها در دستور کار قرار گیرد و هیچ‌گونه توجیهی برای خودداری از انجام آن قابل قبول نیست. به این ترتیب یکی از مهمترین ابزارهای حقوقی برای رفع یکی از مهمترین معضلات افراد دارای معلولیت مهیا شده است و دانشجویان دارای معلولیت و افراد و انجمن‌های فعال در این حوزه می‌توانند با استناد به این قانون به پیگیری حقوق خود در این زمینه اقدام نمایند. از سوی دیگر آنها می‌توانند با همت و تلاش خود ضعف‌ها و کمبودهای موجود در خصوص حمایت‌های حقوقی را شناسایی و پیگیری نمایند.

تشکیل انجمن‌های دانشجویی: وجود حمایت‌های قانونی از افراد دارای معلولیت به تنهایی نمی‌تواند تضمین‌کننده بهبود شرایط این افراد در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی باشد. بلکه این ابزار زمانی از کارایی بیشتر برخوردار است که انجمن‌ها و تشکل‌های دانشجویی فعال در زمینه احقاق حقوق افراد معلول به پیگیری امور مربوطه اقدام نمایند. این انجمن‌ها که بهتر است بخش عمده آنها را اعضای گروه هدف یعنی دانشجویان دارای معلولیت تشکیل دهند، می‌توانند در چارچوب امکانات موجود و با اتکا به قوانین و آیین‌نامه‌های مصوب در این زمینه مانند یک گروه فشار عمل نمایند. آنها می‌توانند ضمن شناسایی مشکلات موجود در دانشگاه‌ها، آنها را به مسئولان منعکس نموده و به پیگیری آن موارد مبادرت ورزند. این انجمن‌ها یا کانون‌ها صرفاً نباید در نقش یک واسطه عمل نمایند. کار دیگر آنها ایجاد حس آگاهی در افراد معلول نسبت به تکالیف و حقوق خود به عنوان یک دانشجو و یک شهروند است. این تشکل‌ها می‌توانند با تشکل‌های مشابه چه در دانشگاه‌های دیگر و چه خارج از دانشگاه به تبادل اطلاعات و دستاوردها بپردازند و در حد توان به دانشجویان معلولی که به علت تعداد محدود نمی‌توانند دارای تشکلی در دانشگاه خود باشند، مساعدت نمایند. همچنین این تشکل‌های دانشجویی می‌توانند در حد امکانات خود به فرهنگ‌سازی در دانشگاه اقدام نمایند. بدیهی است که چنین اموری صرفاً از عهده یک فرد بر نمی‌آید. بلکه به یک تشکل منسجم، هدفمند، فعال، وظیفه‌شناس و پیگیر نیاز است.

جلب کمک‌های خیرین: آنچه که مسلم است این است که به رغم تلاش‌های انجام شده در زمینه بهبود شرایط آموزش برای افراد دارای معلولیت، هنوز هم شمار این افراد که به واسطه مشکلات موجود یا از تحصیل باز مانده یا با دشواری فراوان به تحصیل می‌پردازند کم نیست. از یک سو بودجه‌ای که به این حوزه اختصاص می‌یابد نمی‌تواند آنگونه که باید

پاسخگوی نیازهای گروه هدف باشد و از سوی دیگر هنوز هم کم نیستند شمار دانشگاه‌هایی که برای این افراد مسائل و دشواری‌هایی را ایجاد می‌نمایند. یکی از راه‌هایی که می‌تواند روند بهبود شرایط دانشگاه‌ها را برای این گروه تسریع نماید، جذب کمک‌های خیرین است. این کمک‌ها می‌تواند هم در زمینه مناسب‌سازی فضای دانشگاه‌ها باشد و هم می‌تواند شامل کلیه امکانات و تجهیزاتی گردد که افراد دارای معلولیت در جریان آموزش به آنها نیازمند هستند. به این ترتیب تلاش برای اقناع و جلب کمک‌های خیرین در حوزه‌هایی چون: تجهیز دانشگاه‌ها به آسانسور، رمپ‌های استاندارد، درهای اتوماتیک، دستگاه ویدئو پروژکتور، تبدیل کتب به فایل‌های صوتی و موارد دیگر می‌تواند سودمند باشد.

گسترش آگاهی‌های عمومی در خصوص افراد معلول: دولت اگر بخواهد، می‌تواند با در اختیار داشتن دو ابزار مهم و مؤثر یعنی ابزار آموزش و رسانه، به صورت هدفمند و حساب شده گامی مهم در ارتقاء آگاهی‌های جمعی و ایجاد فرهنگ عمومی صحیح در زمینه نحوه تعامل و برخورد با افراد دارای معلولیت بردارد. بی‌تردید بخشی از مشکلات افراد دارای معلولیت در دانشگاه‌ها ناشی از ضعف نسبی آگاهی عمومی در رابطه با این گروه و چگونگی تعامل با آنها است. اگرچه می‌توان دولت را از این حیث که کار چندانی در حوزه افراد دارای معلولیت انجام نداده است مقصر دانست، افراد دارای معلولیت نیز در این بی‌خبری عمومی سهم غیر قابل انکاری دارند. آنچه که مسلم است این است که این گروه نه می‌تواند و نه باید منتظر باشد تا دولت به همه مسائل و مشکلات ایشان توجه و رسیدگی نماید. در جایی که دولت نمی‌خواهد یا نمی‌تواند در این خصوص کاری انجام دهد، آنها موظف هستند خود دست به کار شوند. با توجه به اینکه بخشی از مشکلات موجود در دانشگاه‌ها ناشی از فقدان آگاهی‌های کافی در خصوص این گروه از شهروندان است، آنها باید خواه به صورت فردی و خواه در قالب تشکل‌ها و انجمن‌های دانشجویی با زدودن غبار بی‌خبری و ابهام، گامی در جهت افزایش آگاهی جامعه در خصوص افراد دارای معلولیت بردارند و از این طریق کمکی هرچند کوچک به خود و هم‌نوعان خود نمایند. چه بسا این تلاش در میان مدت نقش مؤثری در اجبار دولت به انجام تکالیف خود در خصوص این گروه ایفا نماید و کمک‌های خیریه نیز بیشتر به این مسیر هدایت گردد.